

بازتاب قرآن و حدیث در اشعار شیخ نجم الدین رازی

زهرا براتیة*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۰

قربانعلی ابراهیمی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۱

چکیده

دوره‌ای که نجم‌الدین رازی در آن می‌زیسته، دوره‌ای است که ادب فارسی از حیث تأثیرپذیری از قرآن و حدیث و ادب عربی در اوج و شکوفایی است. بی‌گمان «مرصاد العباد» و دیگر آثار جاودانه شیخ نجم‌الدین رازی، عارف برجسته قرن هفتم هجری، باید از مظاهر تجلی معارف اسلامی و ادب عربی در شعر فارسی محسوب گردد. نجم‌الدین رازی به مخازن غنی و سرشار قرآن و حدیث شوقی وافر داشت و از احادیث منقول از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در جهت بیان مقاصد خود بهره جسته است. او در ضمن طرح و شرح آموزه‌های عرفانی خود، گهگاه اشعاری نیز سروده و جهت تلطیف بحث، در لابه‌لای مطالب جای داده است. مطالعه در این اشعار نشان می‌دهد که اگرچه این اشعار، به لحاظ زیبایی‌های شعری، در حد متوسط است، اما تجلی قرآن و حدیث در آن هویداست. وی به شدت تحت تأثیر قرآن کریم بوده و از گنجینه احادیث نبوی نیز بهره کافی داشته است.

کلیدواژگان: نجم دایه، مرصاد العباد، اقتباس، اشعار عرفانی، معارف اسلامی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

z.baratieh51@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Ghorbanali.ebrahimi333@gmail.com

نویسنده مسئول: زهرا براتیة

مقدمه

نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاه‌اور اسدی رازی (۵۷۳-۶۵۴ق)، نویسنده، صوفی و شاعر ایرانی، متخلص به نجم و معروف به دایه و نجم رازی در ری به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی از اصحاب نجم‌الدین کبری بود و از جوانی به مسافرت پرداخت. بعد از ادای فریضه حج و مسافرت در شام و مصر در حدود ۶۰۰ق به صحبت شیخ مجدالدین بغدادی (مقتول ۶۱۶/۷۰۷ق) رسید و شیخ مجدالدین، به اشارت نجم‌الدین کبری، به تربیت و ارشاد او پرداخت. بعد از کشته شدن مراد و شیخ خود، مجدالدین بغدادی، به خراسان بازگشت. در هنگام فتنه مغول به عراق عجم گریخت. بعد از مدتی به همدان رفت و در آنجا ساکن شد. به قول محمد امین ریاحی در مقدمه «مرصاد العباد» پس از آن به اربیل مسافرت کرد و از آنجا به بلاد روم و درگاه سلاجقه آنجا رفت و از راه دیار بکر به شهر قیصریه رسید و در شهر ملاطیه یا ملطیه با شیخ شهاب‌الدین عمر بن محمد سهروردی ملاقات کرد. نجم‌الدین به سفارش سهروردی به خدمت علاءالدین کیقباد سلجوقی (۶۳۴-۶۱۶ق) رسید و کتاب «مرصاد العباد» را به وی تقدیم کرد و مقبول نظر سلطان قرار گرفت. بعد از این نجم‌الدین در بلاد مختلف روم و شام و به خصوص در بغداد سکونت کرد. در ارزنجان به خدمت علاءالدین داوود بن بهرامشاه رسید و کتاب «مرموزات اسدی در مزمورات داودی» را به نام وی نوشت. اقامت و مسافرت او در این بلاد حدود چهار یا پنج سال به طول انجامید. در ۶۲۲ق نزد سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه رفت، سپس به آسیای صغیر بازگشت و به سیر و سیاحت در آن بلاد پرداخت. وی مدتی در قونیه با صدرالدین قونوی و مولانا جلال‌الدین بلخی معاشر بود. نجم‌الدین در این مسافرت‌ها، در روم یا بغداد با واحدالدین کرمانی نیز ملاقات کرد. عاقبت به بغداد رفت و در آنجا درگذشت. می‌گویند قبر وی در شونیزیه بغداد، بیرون مقبری شیخ سری سقطی و شیخ جنید بغدادی است.

آثار وی «مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد»، تألیف شده بین ۶۱۸ و ۶۲۰ق؛ «معیار الصدق فی مصداق العشق» معروف به رساله «عشق و عقل»؛ «رسالة الطیر» یا «رسالة الطیور»، به فارسی؛ «رسالة العاشق الی المعشوق»، که در شرح عبارت «الصوفی غیر مخلوق» شیخ ابوالحسن خرقانی می‌باشد؛ «منارات السائرين» یا «منارات السائرين الی حضرت الله ومقامات الطائرين بالله»، به عربی، در ۶۵۴ق؛ «بحر الحقایق والمعانی فی تفسیر السبع المثانی»، در تفسیر و «دیوان» شعر است (نصیری، ۱۳۸۴، ج ۶: ۲۶).

ملک‌الشعراء بهار درباره سبک شعر او می‌نویسد: «نجم دایه شعر به سبک سنایی می‌گوید و اگرچه شعرش به استحکام متقدمان نیست، اما در دقایق شعر فارسی استاد است، و به رموز قوافی که متأخران از آن بی‌خبر بوده‌اند به درستی واقف و افعال قدیم و قافیه‌های مخصوص متقدمان را در شعر صحیح و بی‌غلط به کار می‌برد» (بهار، ۱۳۸۲: ۲۲). مرحوم استاد سادات ناصری نیز در حاشیه «آتشکده آذر» آورده‌اند که نجم‌الدین دایه به سبک سنایی شعر می‌گفت. اما مرحوم دکتر ریاحی معتقدند که: «غالب اشعار او عارفانه خشک است و از لطف و حال فراوانی برخوردار نیست... در کنار سخنان منشور او به

سخنانی برمی‌خوریم که فقط وزن و قافیه وجه امتیاز آن‌ها از نثر است و بوی هیچ لطف و مضمون شاعرانه‌ای از آن‌ها نمی‌آید و مناسب‌تر آن بود که مطلب آن‌ها به نثر نوشته آید» (مقدمه ریاحی بر مرصاد العباد، ۱۳۸۹: ۵۱). در ادامه می‌نویسند: «با این همه نمونه‌های ساده و روان و لطیف و پرشور و حال نیز در میان آثار نجم‌الدین کم نیست». *شادروان دکتر ذبیح‌الله صفا* می‌نویسد:

«اما مرتبه او در شعر دون مرتبه‌اش در نثر است؛ چه انشاء او در نهایت سلاست و استحکام و همراه با انتخاب کلمات جزیل و فصیح است و اگرچه از آوردن کلمات عربی به وفور و یا از ایراد صنایع و اسجاع در بعض موارد امتناعی ندارد اما سخن او به هر حال ساده و روان و گاه منشینانه و آراسته و زیبا و دل‌انگیز است. استشهد او به آیات و اخبار البته جزو طبیعت کار اوست و ایراد اشعار پارسی و تازی در راه ایضاح مقصود سنت جاریه صوفیان است و او اگرچه متصنّف و آراینده کلام نیست، ولی به سبب مهارت در انشاء و به علت وسعت اطلاع و به پیروی از ذوق سلیم خویش کلامی دارد گاه آراسته و مزین به انواع زینت‌ها و گاه ساده و مقصور بر بیان مقصود، و به همین سبب از دیرباز سخنش به عنوان نمونه خوبی از انشاء استوار فارسی معرفی شده است» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۱۹۳ و ۱۱۹۴).

دکتر مدّبری نیز بر این قول است (نجم رازی، ۱۳۶۳: ۳).

اشعار شیخ نجم‌الدین رازی که از لابه‌لای کتب او و منابع دیگر گردآوری شده، در سال ۱۳۶۳ به دست دکتر محمود مدّبری چاپ شده است.

پیشینه تحقیق

در این راستا، تحقیقاتی که توسط محققان و پژوهشگران انجام شده، اختصاصی است و مربوط به کتاب «مرصاد العباد» نجم‌الدین است. از جمله مقاله «رویکرد حدیثی نجم‌الدین رازی در مرصاد العباد» از محسن قاسم پور که نویسنده با روش توصیفی-تحلیلی، رویکرد حدیثی نجم‌الدین رازی را در کتاب «مرصاد العباد» به ویژه از منظر نقل به معنا مورد واکاوی قرار داده است و به این نتیجه می‌رسد که این کتاب منبع مهمی در نقل احادیث صوفیانه است. دیگر مقاله «پیوند آیه و آرایه در مرصاد العباد» از حسن حیدری که محقق مشخص می‌کند نجم‌الدین با پیوند آیه و آرایه‌ها دست به ترکیب سازی و تصویرسازی زده و انواع آرایه‌های بلاغی را آفریده است و از این طریق سطح ادبی نثر خود را ارتقا داده است. با این وجود پژوهشی کلی از بازتاب آیات و احادیث در اشعار نجم‌الدین صورت نگرفته است که در این مقال به این موضوع پرداخته می‌شود.

تأثیرپذیری نجم دایه از قرآن کریم و احادیث

پیشینه بهره‌گیری و اثرپذیری سخنورانِ پارسی از قرآن و حدیث به آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد. البته می‌دانیم که پیشینه سروده‌های پارسی‌گویان آن روزگار دستخوش آسیب و آفت گشته، و جز اندکی از آن‌ها به دست ما نرسیده است. این اندک سروده‌های بازمانده نیز چنان پراکنده و گسسته‌اند که نمی‌توان بر پایه آن‌ها درباره چونی و چندی اثرپذیری‌شان از قرآن و حدیث داوری کرد. با این همه، نشانه‌هایی از اثرپذیری قرآنی - حدیثی را در کهن‌ترین سروده‌های فارسی می‌توان یافت (راستگو، ۱۳۸۰: ۶). پاره‌ای از پدیده‌های فرهنگی که پیوند آن‌ها با شعر فارسی، اثرپذیری از قرآن و حدیث را گسترش و فزونی بخشید، عبارت‌اند از:

الف: شعر را در خدمت تبلیغ دینی نهادن، و از آن چنان ابزاری باری ترویج مکتب یاری گرفتن؛ کاری که ناصر خسرو در سده پنجم به گستردگی و استواری به سامان رساند.

ب: شعر را قاب و قالب وعظ و پند و اخلاق ساختن، و از آن برای گرایش مردم به پاکی و پیراستگی و پرهیز آنان از پلیدی و پلستی بهره گرفتن؛ کاری که ناصر خسرو، جمال‌الدین عبدالرزاق، سنائی، خاقانی، عطار، مولوی، سعدی و... به گستردگی و استواری کرده‌اند.

ج: شعر را جلوه‌گاه عرفان و تصوف ساختن، و راه و رسم سلوک، و مقامات تبّتل تا فنا را بدان بیان کردن، و مریدان راهرو را بدان پروردن، و یافته‌های غیبی و جلوه‌های شهودی را بدان سرودن؛ کاری که سنایی، عطار، مولوی و حافظ به زیبایی و ظرافت کرده‌اند.

پیداست که هر سه مورد یادشده با قرآن و حدیث پیوندی بسیار نزدیک و استوار دارند، و سخنوری که بدین مقولات بپردازد، به ویژه اگر با قرآن و حدیث آشنایی بایسته داشته باشد، بی‌گمان بیش‌ترین بهره‌ها را از این دو سرچشمه معرفت و مذهب می‌گیرد.

گسترش مجالس وعظ و واعظی، و پدید آمدن واعظان بزرگ که بیش‌تر از عالمان بزرگ قرآن دادن و حدیث دادن نیز بودند و سخنان خویش را بر محور آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) و امامان معصوم می‌پرداختند، و چه بسا برای تنوع و دلپذیری، چاشنی‌ای از شعر و بیت نیز بدان می‌افزودند از یک سو، و اقبال و توجه گسترده مردم به این مجالس، در نتیجه آشنایی آنان با مضامین قرآنی - حدیثی از سوی دیگر، نیز راه بهره‌گیری از قرآن و حدیث را برای شاعران هموارتر ساخته بود (راستگو، ۱۳۸۰: ۷). در این پژوهش بر آن‌ایم تا جلوه‌ای از تأثیر قرآن و حدیث در اشعار نجم‌دایه را بررسی کنیم.

تأثیرپذیری نجم دایه از قرآن کریم

بیرون ز دو کون ای پسر پایه ماست
ما دایه دیگران و او دایه ماست

از ما تو هر آنچه دیده‌ای سایه ماست
بی‌مایه ما به کار ما سایه ماست

مصراع آخر رباعی، به صفت «ربوبیت» خداوند است که در قرآن کریم این صفت ۹۸۰ بار آمده است.

با یار نو از غم کهن باید گفت لابد به زبان او سخن باید گفت
لا تفعل و افعل نکند چندان سود چون با عجمی کن و مکن باید گفت

(نجم رازی: ۱۴)

اشاره دارد به آیه ۴ سوره ابراهیم:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِبَلِّغِمْ قَوْلَنَا لِقَوْمِهِمْ لِيَحْكُمَ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (ابراهیم/ ۴)

«و نفرستادیم هیچ فرستاده‌ای، مگر به زبان قوم او، تا پیدا کند ایشان را [پیغام من]، تا گمراه کند الله او را که خواهد، و با راه آرد او را که خواهد، و اوست تاونده با هر کاونده و به هیچ هست»

* در ترجمه آیات قرآن، از ترجمه «التوبة الاولى» از «كشف الأسرار» رشیدالدین میبیدی استفاده شده است.

نیز اشاره به حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) دارد: «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» که برگرفته از این حدیث پیامبر است: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳).

کار من و تو بی من و تو ساخته‌اند وز نیک و بد من و تو پرداخته‌اند
تسلیم کن امروز که فردا به یقین تخمی روید که دی درانداخته‌اند

(نجم رازی: ۱۶)

می‌تواند برگرفته از این آیه شریفه باشد:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (شوری/ ۲۰)

«هر که بر آن جهان می‌خواهد و پاداش آن را [تخم پراکند و کردار ورزد]، ما خود بر آن جهان [برین جهان] فرا فزائیم، و هر که بر این جهان را کشت کند و پاداش این جهان را کوشد، بدهیم او را از آن چیز، و او را در آن جهان بهره‌ای نه»

و نیز اشاره به حدیث نبوی «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» (ابن ابی جمهور، ج ۱: ۲۶۷): «دنیا کشتگاه آخرت است» دارد.

ایضاً بیت زیر:

هر کسی فردا چو کشت خویشتن خواهد درود

کشت خود امروز بهتر کشتنی گر خواستی

(نجم رازی: ۴۳)

سرمست ز باده الست آمده‌اند

کایشان ز الست می‌پرست آمده‌اند

عشاق تو از الست مست آمده‌اند

می‌می‌نوشند و پند می‌نیوشند

(نجم رازی: ۱۶)

رباعی بالا اشاره به آیه معروف به «الست» دارد:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف / ۱۷۲)

«گرفت خدای تو از فرزندان آدم از پشت‌های ایشان فرزندان ایشان و ایشان را گواه گرفت بر ایشان [و گواه بر آن گرفت که ایشان را گفت] نه‌ام من خداوند شما؟ ایشان پاسخ دادند آری تویی خداوند ما، گواه بودیم بر ایشان تا نگویند روز رستاخیز که ما از

این اقرار و گواهی ناآگاه بودیم»

ابیات زیر نیز به این آیه شریفه نظر دارند:

وین منطقه بر میان جوزا بستند

عشقت به هزار رشته بر ما بستند

زان پیش که نور بر ثریا بستند

در عهد ازل به سان آتش بر شمع

(نجم رازی: ۱۷)

وین مرغ ازین قفس به پرواز آید

پرواز کنان به دست شه باز آید

آن روز که کار وصل را ساز آید

از شه چو صفیر ارجعی روح شنید

(نجم رازی: ۱۹)

اشاره به آیات زیر از سوره مبارکه فجر دارد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ (الفجر / ۲۷ - ۳۰)

«ای تن آرمیده، ای کس آرمیده، بازگرد با خداوند خویش پاداش و کردار خود پسندیده

و خداوند تو از تو از کردار پسندیده. در آی در میان رهیگان من، در آی در بهشت من»

در هر دلکی از تو نهیبی است مکن

کز هر سیبی با تو حسیبی است مکن

افراز ملوک را نشیبی است مکن

بر خلق ستم اگر به سیبی است مکن

(نجم رازی: ۲۳)

می تواند به آیه زیر اشاره داشته باشد:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله / ۷ و ۸)

«هر که هم سنگ مور خرد نیکی کند، بیند آن [و پاداش آن]. و هر که هم سنگ مور خرد بدی کند، بیند آن [و پاداش آن]»

ای نسخه نامه الهی که تویی و ای آینه جمال شاهی که تویی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

(نجم رازی: ۲۷)

اشاره دارد به آیه شریفه:

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (الذاریات / ۲۰ و ۲۱)

«و در زمین نشان‌هایی است [توانایی الله را] بی‌گمانان آن دانند و بینند. و در تنها شما [هم هست]، نمی‌نگرید و نمی‌بینید؟»

روایت مشهوری از حضرت علی (ع) است که فرمودند: من عرف نفسه فقد عرف ربه؛ «هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج: ۴، ۱۰۲).

بلی دو چیز تمنای داعیات بوده است

که باز حاصل هر دو همی شود به یکی

یکی تمتع شاه جهان که دایم باد

دوم بیان مقامات و کشف دین هدی

که تا بدین دو وسیلت رسم به مقعد صدق

که هست مقصد و مقصود حضرت مولی

(نجم رازی: ۳۲)

اشاره به آیه زیر دارد:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ (قمر / ۵۴ و ۵۵)

«پرهیزگاران در بهشت‌اند و در جوی‌ها، در نشستگاه به راستی راست نشینان را، به

نزدیک پادشاه فراخ توان»

خفته دلند و دیده بیدار مانده نیست

بیدار شو دلا که در این روزگار دون

بسیار دل میند که بسیار مانده نیست

اندر سرای دنیوی فانی عزیز من

(نجم رازی: ۳۴)

بیت اول می تواند به این آیه اشاره داشته باشد:

﴿أَقَامِنَ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ﴾ (اعراف / ۹۷)

«ایمن نشستند این مردمان که در شهرهایند که به ایشان آید زور گرفتن ما و ایشان در خواب»

بیت دوم نیز به این آیه نظر دارد:

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُوالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن / ۲۶ و ۲۷)

«هر چه بر زمین است به سر آمدنی است. و خداوند تو ماند، با شکوه و با بزرگواری با نواخت و نیکوکاری»

یک ذره بار حکمش کونین برنتابد یک نکته راز عشقش در دو جهان ننگجد

(نجم رازی: ۳۵)

اشاره دارد به آیه امانت:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب / ۷۲)

ترجمه: «ما عرضه کردیم امانت دین، بر آسمان‌ها و زمین‌ها و کوه‌ها، باز نشستند از برداشت آن [و کژ رفتن در آن و راست باز نیامدن در آن]، و ترسیدند از آن [و تاوان آن]، و آدم فرا ایستاد و در گردن خویش کرد، که این آدمی ستمکار و نادان است تا بود»

همچو پروانه شمع دوست شویم دشمن نفس خویشتن باشیم

(نجم رازی: ۳۶)

اشاره به این حدیث نبوی دارد: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ۶۴).

هست دنیا و دولتش چو سراب در فریبید ولیک ندهد آب

(نجم رازی: ۴۶)

اشاره به گزاره قرآنی:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِلاً﴾ (نور / ۳۹)

«و ایشان که کافر شدند، کردارهای ایشان که می‌کنند راست چون گورابی است به هامون، که تشنه آن را آب پندارد، تا آنکه که آید به آن. آن را هیچ چیز نیابد از آنچه می‌بیوسد»

بس که آورد چرخ شاه و وزیر ملکشان داد و گنج و تاج و سریر
ناگهان تن‌دباد قهر و زید وز سر تختشان به تخته کشید

تنشان را به خاک ریمن داد
ملکشان را به دست دشمن داد
وزر این‌ها بدان جهان بردند
مالشان دیگران همی خوردند

(نجم رازی: ۴۶)

اشاره به آیه قرآنی:

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ
أُوزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ إِلَّا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾ (انعام/ ۳۱)

«زیانکار شدند و نومید ماندند ایشان که دروغ شمردند دیدن خدای را عزّ و جلّ و
قیامت، تا آنکه که با ایشان آمد رستاخیز، ناگاه گفتند یا نفرینا بر آن تقصیر و فرو
گذاشت که کردیم در دنیا و برمی‌گیرند بارهای گناهان خود بر پشت‌های خود. الا آگاه
باشید بد باری است بار گناه که می‌کشند!»

وآن که حقش به لطف خود بنواخت
نیک و بد را به نور حق بشناخت
باز دانست نثار را از نور
دل نسبت اندر این سرای غرور
باقی عمر خویشتن دریافت
به صلاح معاد خویش شتافت

(نجم رازی: ۴۶)

در قرآن کریم بارها از دنیا به فریبکار تعبیر شده است؛ به عنوان مثال در آیه زیر:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ
الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُمْضًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعٌ الْعُرْوَةُ﴾ (حدید/ ۲۰)

«بدانید که زندگانی این جهانی، بازی است و نابکاری، و آرایشی، و لافی میان شما، و
نورد کردنی در سوزیان و فرزندان، راست برسان بارانی، که نیکو آمد و خوش بزرگران را
نبات که از آن است، پس خشک گردد، تا آن را بینی زرد گشته، پس کاه گردد [رفته و
خشک کرده و خرد]، و آن جهان [نه بازی است نه نابکار] یا عذابی است سخت، یا
مغفرت از خدای و خشنودی، و نیست زندگانی این جهانی مگر روز فرا روز بردن
بفرهیب»

این تعبیر همچنین در سوره‌های آل عمران/ ۱۸۵، انعام/ ۷۰ و ۱۳۰، اعراف/ ۵۱، لقمان/ ۳۳، فاطر/
۵ و جاثیه/ ۳۵ آمده است.

تأثیر پذیری نجم دایه از احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)

یا رب تو مر این سایه یزدانی را
بگذار بدین جهان جهان‌بینی را

(نجم رازی: ۱۱)

بیت یادآور حدیث مشهور منسوب به پیامبر اکرم(ص) است: «السُّلْطَانُ ظُلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ»: «پادشاه، سایه خدا بر روی زمین است.» این حدیث در منابع گوناگون از جمله «بحار الأنوار» نقل شده است(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۳۵۴) چنین است در بیت زیر:
تا بر سر ما سایه شاهنشاه ماست کونین غلام و چاکر در گه ماست

(نجم رازی: ۱۲)

عشاق که آفتاب عالمتابانند در دیده کشند خاک من گر یابند
شد دشمن من ز جهل آن مشتی دون چون شب پرگان که دشمن آفتابند

(نجم رازی: ۱۶)

اشاره به حدیث گرانبار مولای متقیان که می‌فرمایند: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا»: مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند(شریف الرضی، ۱۴۰۷: ۵۰۱، حکمت ۱۷۲، و صفحه ۵۵۳، حکمت ۴۳۸).
عشاق تو را هشت بهشت تنگ آید وز هرچه بدن تست‌شان ننگ آید
اندر دهن دوزخ از آن سنگ آید کز پرتو نار نور بی‌رنگ آید

(نجم رازی: ۱۹)

دوزخ، به بیان قرآن هفت «در» دارد؛ اما درهای بهشت در چهار آیه قرآن، به طور مطلق و بدون تعیین تعداد آمده است(ص/ ۵۰؛ زمر/ ۷۱ تا ۷۳).
برای بهشت در احادیث پیامبر(ص) و ائمه(ع)، هشت در معرفی شده است(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۳۹، ۱۲۱، ۱۷۰ و ج ۶۷: ۱۱۵ و ج ۹۴: ۳۲). امام علی(ع) فرموده است: بهشت دارای هشت در است: دری است که از آن پیامبران و صدیقان وارد می‌شوند؛ دری است که شهدا و صالحان از آن وارد می‌شوند؛ از پنج در دیگر شیعیان و دوستانان ما وارد می‌شوند، و از در آخر، سایر مسلمانانی که به یگانگی خدا عقیده دارند و در دل آنان ذره‌ای از بغض و کینه نسبت به ما اهل بیت(ع) وجود ندارد(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۳۹).
ما را چه غم ز دوزخ و با خلدمان چه کار

دل داده‌ایم ما بر دلدار می‌رویم

(نجم رازی: ۴۱)

اشاره به حدیث پر بار مولا علی(ع) است که می‌فرمایند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ

الْعِبَادَةِ»: «گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) عبادت می‌کنند که این عبادت تاجران است، و گروهی خدا را از روی ترس (از دوزخ) می‌پرستند و این عبادت بندگان است و گروهی خدا را از روی شکر (و شایستگی پرستش) عبادت می‌کنند و این عبادت آزادگان است که بهترین عبادت است»
حضرت علی(ع) در یکی دیگر از مناجات‌های خود فرموده است: «خداوندا، من تو را از ترس عذابت و به طمع پاداشت عبادت نکرده‌ام، بلکه تو را شایسته عبادت دیدم و پرستیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱: ۱۴).

سریسر دنیا نیززد موری آزدن چنانک چون به دست آید اگر پاداردی زیباستی

(نجم رازی: ۴۲)

تمثیل ظلم نکردن به یک مورچه، از صدر اسلام با تعبیر زیبایی از حضرت علی(ع)، در اندیشه مسلمین جای گرفته است: «وَاللَّهِ لَوْ أُغْطِيتُ الْأَقَالِيمَ أَلَسَّبَعَةَ بِمَا تَخْتِ أَفْلَکِهَا عَلٰی أَنْ أُغْصِيَّ اللَّهُ فِي نَمَلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ»: به خدا سوگند اگر تمام جهان را به من بدهند که پوست جو را به ناحق از دهان مورچه‌ای بگیرم من این کار را نخواهم کرد» (شریف الرضی، ۱۴۰۷: خطبه ۲۲۴، ۳۴۷).

نتیجه بحث

چنانکه به صورت مستند بررسی شد، نجم رازی به مخازن غنی و سرشار قرآن و حدیث، شوقی وافر داشته و در جای جای آثار عرفانی، من جمله اشعار خود از آن‌ها استفاده کرده است. او در هر مقام از سخن که اقتضا کرده است، از شیوه‌های مختلف اقتباس در جهت زیبایی کلام خود استفاده کرده است. او همچنین از احادیث منقول از پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین در جهت بیان مقاصد خود بهره جسته است.

کتابنامه

- ابن ابی جمهور احسائی. ۱۴۰۵ق، *عوالی اللالی*، جلد ۱، قم: انتشارات سیدالشهدا(ع).
- بهار، محمدتقی. ۱۳۸۲ش، *سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*، جلد سوم، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۸۷ش، *دیوان*، با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، تهران: اساطیر.
- راستگو، سید محمد. ۱۳۸۰ش، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، چاپ دوم، تهران: سمت.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین. ۱۴۰۷ق. *نهج البلاغه*، تصحیح دکتر صبحی صالح، قم: دار الهجره.
- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۷۸ش، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۲ و ۳، چاپ هشتم، تهران: انتشارات فردوس.
- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. ۱۳۸۸ق، *الأصول من الکافی*، با تعلیقات علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، مجلدات گوناگون، بیروت: مؤسسة الوفاء و دار احیاء التراث العربی.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین احمد بن ابی سعد. ۱۳۷۱ش، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، ده جلد، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- نجم رازی، عبدالله بن محمد. ۱۳۶۳ش، *اشعار شیخ نجم‌الدین رازی «دایه»*، به کوشش و تحقیق محمود مدبری، تهران: کتابخانه طهوری.
- نجم رازی، عبدالله بن محمد. ۱۳۸۹ش، *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد*، به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصیری، محمدرضا. ۱۳۸۴ش، *اثر آفرینان*، جلد ۶، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Bibliography

- Bahar, Mohammad-Taqi (2003). *Stylistics or the evolution history of Persian prose*, 3rd vol., 9th edition, Tehran: Amir Kabir
- Hafez, Shams-o-al-Din Mohammad (2008). *Divan*, with Allameh Mohammad Ghazvini's collection of annotations and commentaries, with the aid and attempt of Abdolkarim Jorboosedar, Tehran: Asatir
- Rastgoo, Seyyed Mohammad (2001). *Magnification of Quran and Hadith in Persian poems*, 2nd edition, Tehran, SEMAT
- Sharifo-al-Razi, Mohammad-ibn-Hosseini (1407 AH). *Nahjo-al-Balaghe*, corrected by Dr. Sobhi Saleh. Qom: Daro-al-Hejreh

- Safa, Zabihollah (1999). The history of literature in Iran, 2,3 vol., 8th edition, Tehran:Ferdos publication
- Meybodi, Abolfazl Rashido-al-Din Ahmad-ibn-Abisad (1992). Kashfo-al-Asrar & Eddato-al-Abrar, with the aid and attempt of Aliasghar Hekmat, 10 vols, 5th edition, Tehran:Amir Kabir
- Najme Razi, Abdollah-ibn-Mohammad (1984). Poetry of Sheikh Najmo-al-Din Razi (Dayeh), with the attempt and research of Mahmood Modabberi, Tehran: Tahoori Library
- Najme Razi, Abdollah-ibn-Mohammad (2010). Mersado-al-Ibad Men al-mabda'e el-alma'ad, with the attempt of Mohammad Amin Riahi, 14th edition, Tehran: scientific and cultural publication company
- Nasiri, Mohammad Reza (2005). Work creators (Asar Afarinan), vol. 6, Tehran: association of cultural works and pride worthies
- Jomhoor Ehsaei, Ibn-Abi (1505 AH), Avali-ol-Lali, vol. 1, Qom: Sayyedo-alShohada (AS)
- Koleini Razi, Abi Jafar mohammad-ibn-Yaghoob (1388 AH). Al-Osool Men AL-Kafi, with the commentaries of Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic house of books
- Majlesi, Mohammad Bagher (1403 AH). Beharo-al-Anvar, various volumes, Beirut: Arabian institute of Alvafae and Dar Ehyao-al-Tarath

Reflection of Quran and Hadith in Sheikh Najm al-Din Razi's Poetries

Zahra Baratiyeh: PhD Candidate, Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch

Ghorban Ali Ebrahimi: PhD Candidate, Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch

Abstract

The period in which Najm al-Din Razi lived is the period in which Persian literature was at its peak in terms of being influenced by Qur'an and Arabic hadith and literature. Undoubtedly, "Mirṣād al-‘ibād " and other immortal works of Sheikh Najm al-Din Razi, - prominent mystic of the seventh century – should be considered as the manifestation of Islamic mysticism and Arabic literature in Persian poetry. Najm al-Din Razi was very interested in the rich reservoirs of Qur'an and Hadith; he applied hadiths narrated from Holy Prophet (Mohammad) and Imams in order to express his intentions. In addition to outlining his mystical learnings, he occasionally composed poems and placed them in the margins of subjects. Studying such poems shows that although these poems are moderate in terms of aesthetics, but the manifestation of Qur'an and hadith is evident in it. He was strongly influenced by Holy Quran and benefited greatly from the treasure of prophetic hadiths.

Keywords: Mirṣād al-‘ibād, borrowing, mystic poetries, Islamic learnings.